

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده پک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

European Languages

زبان های اروپایی

[HTTP://WWW.AZADI-B.COM/](http://WWW.AZADI-B.COM/)

جمهوری اسلامی راهی برای ماندن ندارد

کاظم نیکخواه

6/17/2009

آنچه در ایران در جریان است نقطه اوجی از يك انقلاب برای به زیر کشیدن کل بساط جمهوری اسلامی است. مردم آمده اند تا خشم و نفرت خود از سرتاپای حکومت توحش و سرکوب و تبعیض و چپاول را ابراز کنند. ساده اندیشی است که کسی فکر کند میلیونها مردمی که اینچنین با شور و فداکاری و تحمل خطرات و تهاجمات پا به میدان گذارده اند، مشکلشان اینست که چرا موسوی نخست وزیر سابق همین حکومت بر سر کار نیست!

کسی که اینچنین فکر کند در واقع سطحی نگری خود را به نمایش میگذارد. بر عکس این حکومت است که زیر فشار يك دنیا نفرتی که در خیابانها و کوچه و کارخانه علیه دارد بیرون میزند به انشقاق افتاده است. مردم دادشان از فقر در آمده است جناحهای حکومت دزدی يك دیگر را رو میکنند تا خشم عظیم و عمیق کارگران و مردم از فقر گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر را که بویژه در يك سال اخیر وسیعا به جریان افتاده، به پشتوانه رقابتهای جناحی خویش تبدیل کنند. مردم از دستگیری و شکنجه و اعدام دادشان در آمده است، اینها زندانهای خصوصی یکدیگر را رو می کنند تا جنبش ضد زندان و شکنجه و دستگیری را بر علیه آن دیگری هدایت کنند. دانشجویان در ۱۶ آذر و ۱۸ تیر و روزهای متعدد دیگر از کنترل و تفتیش و سرکوب در دانشگاهها فریادشان بلند شده است و فریاد زنده باد آزادی و برابر سر دادند، جناحهای حکومت بر سر اینکه چه کسی مسئول "انقلاب خونین فرهنگی" در دانشگاهها بود یکدیگر را گاز میگیرند و متهم میکنند. در همه زمینه ها از بحث اعدام و سنگسار و اعدام کودکان و غیره موضوع از همین قرار است. بقول سروش "داستان عبرت آموزی است که یاران انقلاب و امام از خط امامشان برانت میجویند!" سروش هم این را دیده است که این یاران دیروز امام يك شبه دیوانه نشده اند بلکه يك نیروی عظیم دارد اینها را به سمت و سویی هل میدهد که گلیم خود را از آب بیرون بکشند و خود او در این زمینه از همه جلوتر است. بدون ذره ای تردید اینگونه فکر میکنم که که این مردم بعد از تجربه يك انقلاب شکست خورده، و سی سال جنگ و گریز با يك ارتجاع هار و دزد و

چپاولگر و ضد زندگي، و با وجود يك حزب هوشيار و آماده و فعال كمونيستي و كارگري، نه فقط در ايستگاه نخست وزير سال ۶۷ حكومت و "يار قار امام" توقف نخواهند كرد، بلكه هر كسي و شخصيتي و جرياني كه صد سال پيش هم يك جمله در دفاع از حكومت اسلامي حرفي زده باشد، يك لحظه نميتواند ذره اي اعتماد توده مردم را با خود داشته باشد. شخصا هيچ نگراني اي از اين نظر ندارم كه كسي از حكومتيان امروز يا سابق حكومت بتواند مردم را ذره اي فريب دهد و بدنبال خود بكشاند. زير ايران امروز ايران سال ۵۷ نيست. زيرا مردم طي اين سالها جنگيده اند و آموخته اند و سياسي و آگاه شده اند. و بعلاوه و مهمتر اينكه اين مردم حزب خود را دارند. حزب كمونيست كارگري كه از روز اول تشكيل شده است و پا به ميدان گذارده است كه اين جانيان مرتجع حاكم را به زير بكشد و جامعه را از فقر و استثمار و سرکوب و عقب ماندگي و ارتجاع اسلامي خلاص كند. مضحك است كه كسي فكر كند يك شخصيت دست چندم و كيك زده حكومت بتواند مردم را فريب دهد.

اين واقعي است كه جنبش مليوني امروز مردم با صورت مخالفت با تقلب انتخاباتي ولي فقيه و در دفاع از موسوي به جريان افتاده است. اما اين به دليل نا آگاهي مردم نيست. اين به دليل بي خطي و گيجي مردم نيست. برعكس اين مكانيزم انقلاب است. اين مكانيزم هر انقلابي است كه راه فوران و پيشروي خود را از گذرگاهها و منافذ در دسترس خويش باز ميكند. چند نفر در ايران امروز از ميان مردم مي انديشد كه جناب ميرحسين براي او آزادي ورفاه به ارمغان خواهد آورد؟ فكر نميكنم يك نفر انسان سالم هم اينگونه بينديشد. اولاً او آدم گمنامي بود. ثانياً آنقدر هم كه گمنام نبود با سابقه دوره سرکوب و جنگ و كشتارهاي دهه ۶۰ در خاطرها بود. هيچ انساني كه از حداقل از آگاهي و شعور سياسي برخوردار باشد به او اميدي ندارد و نخواهد بست. اما مليونها نفر اينگونه مي انديشند كه اين جناب و جناحش و جنگش با جناح ولي فقيه اين امكان را ايجاد ميكند كه مردم بصورت مليوني بيرون بريزند. اين امكان را ايجاد ميكند كه مردم فرجه و فرصتي براي متحد شدن و هماهنگ كردن نيرويشان را بدست آورند. و همين قدر هم تاريخ مصرف دارد. و گر نه مگر شخصيت مذهبي و حكومتي امروز و سابق كه از اين جناب شجاع تر و حتي راديكال تر و تواناتر و كاريسماتيک تر و شناخته شده تر باشد كم است؟ او تمام هنرش اين بوده است كه توانسته است از فیلتر تنگ "شوراي نگهبان" رد شود و معدل جناحهاي منتقد ولايت فقيه و حكومت احمدي نژاد باشد. حتي آخوند كروبي از اين شخص اصلاح طلب تر است. اين را حكومتيان ميدانند. مردم هم ميدانند. قول و وعده روشن و دندان گيري هم به مردم نداده است. معلوم نيست چرا مردم بايد فريب اين امام زاده را بخورند. همانگونه كه اشاره كردم كسي كه اينگونه بينديشد مردم و جنبش مردم و شرايط سياسي در ايران را نشناخته است.

اهداف فوري جنبش موجود

جنبشي كه امروز به جريان آمده است، بي ترديد تا سرنگوني حكومت به پيش خواهد رفت. نه به اين معنا كه هيچ توقف و مكث و افاقي نخواهد داشت. بلكه به اين معنا كه در هر صورت و با هر احتمالي كه پيش بيايد، حكومت اگر باقي بماند در پس اين حركت به مراتب در برابر مردم ضعيف تر و ناتوان تر و متشتت تر است و با ضربات پي در پي نيروي راديكال كارگران و مردم تا سرنگوني كامل به عقب رانده خواهد شد. جمهوري اسلامي امروز امكان تهاجم و به عقب

راندن حرکت مردم با خشونت و سرکوب و خونریزی را ندارد. تا همینجا هم اوضاع خود را نشان داده است که راه سرکوب خونین و موفقیت آمیز مردم در شرایط فعلی برای حکومت باز نیست. اوضاع سرعت از این مرحله که سرکوب خونین بتواند مردم را به خانه بفرستد گذشته است. قبل از هر سرکوبی جناحهای حکومت باید تکلیف را با یکدیگر روشن کنند. و سازش و عقب نشینی همانقدر برای حکومت مهلك است که تهاجم و خونریزی و قربانی گرفتن از مردم. بعضی ها میگویند مردم در انتخابات حکومت باید بین بد و بدتر یکی را انتخاب کنند. اکنون اوضاع کاملاً اینگونه است که این حکومت است که زیر فشار مردم بین انتخاب بد و بدتر قرار گرفته است. یا ایستادن و تهاجم به مردم و اقتادن به سران شب سقوط در برابر انقلاب مردم، و یا عقب نشستن و قربانی کردن احمدی نژاد و ولی فقیه به امید ننگ داشتن خود چند صباحی دیگر بر سر قدرت. سناریویی که با توجه به آخرین تحولات اوضاع بیشتر محتمل بنظر میرسد اینست که جناح ولایت فقیه دست به يك سري حملات و تهاجمات به مردم تظاهر کننده بزند و بعد از اینکه این حقیقت را به چشم خویش دید که این تاکتیک شانسی برای موفقیت ندارد راه عقب کشیدن را در پیش گیرد و احمدی نژاد را کنار بزند و انتخاباتش را باطل اعلام کند. این یعنی نقطه ای از سازش جناحهای حکومت. اما خود همین راه پیشروی بیشتر و بعدی جنبش سرنگونی طلبی را هموار میکند.

امروز راه پیشروی مردم اینست که صفوف خود را برای طرح میلیونی خواستهای مبرم و فوری نظیر آزادی زندانیان سیاسی، معرفی و محاکمه آمرین و عاملین کشتارهای اخیر، لغو اعدام و سنگسار، لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی هماهنگ کنند. همانگونه که حزب کمونیست کارگری اعلام کرده اینها شاخصهایی برای تثبیت پیشروی تانکونی جنبش مردم است. این سکویی برای اینست که نتوانند مردم را مورد تهاجم و عقبگرد قرار دهند. این نقطه پرشی برای پیشروی های بعدی است. و این تلاش ما در شرایط کنونی است.